

گفت وگو با مجرمی که زندان او را تنبیه نکرد

# از مشارکت در قتل تا سرقت تلفنی

مدتی قبل بود آقای دکتر به پلیس مراجعه کرد و از سرقت پولش خبر داد. او مثل خیلی از مالباخته‌ها گرفتار شگرد نخ‌نما و تکراری برنده شدن در مسابقات شده بود. آقای دکتر زمانی که به اوزنگ زده بودند و خبر برنده شدنش را در مسابقه رادیویی داده بودند، سریع شال و کلاه کرده بود تا با مراجعه به دستگاه خودپرداز هدیه ۵۰ میلیون تومانی را از آن خود کند. غافل از این که نه تنها هدیه‌ای در کار نیست، بلکه قرار است ۱۰ میلیون تومان از حساب بانکی او نیز از دستش برود. انتخاب گزینه انتقال و چند دکمه باعث شده بود پولش را به حسابی واریز کند که مرد ناشناس پشت تلفن از او خواسته بود. با این حال تا زمانی که پیامک کسر از حساب برایش آمد، منتظر بود جایزه میلیونی‌اش را دریافت کند. وقتی آقای دکتر متوجه شد چه کلاه‌های سرش رفته، به پلیس مراجعه کرد. با شکایت او ماموران وارد عمل شده و در تحقیقات با شکایت‌های مشابه روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان داد تماس‌ها از داخل زندان رجایی‌شهر صورت گرفته و در نهایت فرد تماس گیرنده بازداشت شد. پسری جوان که به اتهام قتل در زندان روزگارش را سپری می‌کرد و در این میان، جرایم دیگری نیز مرتکب می‌شد. این هفته رو در روی این متهم نشستیم و با او گفت وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سامان نصرتی

تیش

وارد کنید. مالباخته‌ها نیز غافل از نقشه‌ای که در سر داشتیم مقابل دستگاه عابربانک می‌رفتند. برای این که بدانم چقدر پول در حسابشان است، از آنها می‌خواستم اول یک موجودی حساب بگیرند تا وقتی من پول را واریز کردم مشخص شود. آنها هم مبلغ موجودی‌شان را می‌گفتند. من هم که می‌فهمیدم چقدر موجودی در حسابشان است، از آنها می‌خواستم که در دستگاه عابربانک بزنند.

چه کدی را باید بزنند؟

کد خاصی نبود، در حقیقت آنها مبلغی را می‌زدند که من می‌خواستم به حسابم واریز شود اما چون از آنها می‌خواستم دو صفر اول اعداد بزنند فکری کردند که به آنها داده‌ام. مثلاً می‌گفتم کد ۰۵۰۲۹۹۹۴۰۵ را در دستگاه زده و گزینه انتقال وجه را وارد کنید. درحقیقت آنها حدوداً مبلغ دو میلیون و ۹۹۰ هزار تومان به حسابم واریز می‌کردند.

و از این کلاهبرداری‌ها چقدر به دست آوردی؟

هر چه گیرم می‌آمد تقسیم بر سه می‌شد. یک سوم برای من بود، یک سوم برای کسی بود که سیمکارت می‌داد و یک سوم هم برای کسی بود که پول به حسابش واریز می‌شد. نمی‌توانستیم با هر سیمکارتی تماس بگیریم و پول را به هر حسابی واریز کنیم.

کارت‌های بانکی و سیمکارت‌ها را چند می‌خریدید؟

سیمکارت‌ها را حدود یک میلیون تومان و حساب‌ها یا همان کارت‌های بانکی را حدوداً ۴۰۰ هزار تومان می‌خریدیم.



عکس تأیید است

انتخاب این شماره‌ها چه بود؟

معمولاً آدم‌هایی که شماره‌های رند و با کدهای بالا دارند، وضع مالی خوبی دارند. از آدم بدبخت و بیچاره که نمی‌شود سرقت کرد، باید پول در حسابشان باشد که من آن را کلاهبرداری کنم.

قاعده‌تأ افراد تحصیل‌کرده نباید به دامت

بیفتند؟

انتخاب آدم بیچاره و فقیر که پولی ندارد برای سرقت، عملاً به کاهدان زدن است. باید افرادی را انتخاب کرد که وضع مالی خوبی دارند و این افراد اغلب دکتر و مهندس هستند. طمع آدم‌ها طوری است که هر قدر پول داشته باشی، دوست‌داری پول بیشتری به دست بیاوری.

شیوه و شگردت به چه صورت بود؟

زنگ می‌زد و می‌گفتم شما برنده مسابقه رادیویی یا اعتبارت عالی‌ات هستی. ۵۰ میلیون تومان برنده شده‌اید و برای دریافت این جایزه باید یک کد را از دستگاه عابربانک

معاونت در قتل بازداشت شدم.

چرا این همه مدت در زندان ماندی؟

برای این که مدام جرم جدیدی مرتکب می‌شدم.

۹ سابقه غیر از قتل داری؟ سرقت و

کلاهبرداری؟

(متهم جوان سکوت می‌کند.)

سرقت را چطور انجام دادی؟ تو که در

زندان بودی؟

یک مدت که حبس کشیدم با سند به مرخصی رفتم و در این مدت مرتکب سرقت شدم.

کلاهبرداری به شیوه برنده شدن در

مسابقه؟ این جرم را از پشت میله‌های زندان

چطور انجام می‌دادی؟

از داخل زندان به صورت تصادفی شماره می‌گرفتم. شماره‌هایی را می‌گرفتم که کد اول آنها یک، دو یا سه باشد. همچنین شماره‌هایی که رند باشند.

شماره‌هایی با کدهای بالا انگیزه‌ات برای

اتهام قتل در پرونده‌ات داری؟

قاتل که نیستم، مشارکت در قتل داشتم.

ماجرای قتل چه بود؟

آن موقع ۱۸ سال بیشتر نداشتم که با دو نفر از دوستانم تصمیم گرفتیم از خیابان پیروزی به لواسان برویم. یکی از دوستانمان به نام اکبر که آن موقع حدود ۴۰ سال داشت و مسافرکشی می‌کرد، قرار شد ما را به لواسان ببرد و ظهر هم در ویلایی که ما بودیم، بماند. در بین راه با اکبر سرکرایه بحث‌مان شد. ماجرا برای ۱۵ سال قبل است و یادم نمی‌آید کرایه مد نظر اکبر چه بود و ما چه مبلغی می‌گفتیم. درگیری که بالا گرفت یکی از دوستانم دست به چاقو شد و او را کشت. جسد را همان حوالی لواسان رها کردیم و با خودروی مقتول فرار کردیم.

چطور دستگیر شدی؟

حدود یک ماه بعد سوار بر خودروی سرقتی پلیس ما را بازداشت کرد. البته ما آن موقع نمی‌دانستیم اکبر کشته شده و وقتی بازداشت شدیم، از ماجرای قتل باخبر شدیم.

اماتو گفتی جسد را کنار جاده لواسان رها

کردی؟

بله. اول فکر کردیم اکبر کشته شده است. چند ساعت بعد از قتل به محل رها کردن جسد برگشتیم تا سر و گوشی آب دهیم و ببینیم موضوع از چه قرار است اما از جسد خبری نبود. با خودمان گفتیم اکبر به هوش آمده و خودش را به خودرویی رسانده یا به مرکز درمانی رفته و از مرگ نجات پیدا کرده است. من در ۱۸ سالگی به اتهام

۱۵ سال قبل با

دوستانم خودرویی

را کرایه کردیم تا به

لواسان برویم که بر سر

کرایه با راننده درگیر

شده و یکی از دوستان

او را با ضربه چاقو کشت

۲۰

## با «پیامک واریز اشتباه» حسابتان خالی نشود

بازگشت وجه به لینک زیر مراجعه کنید.» در ادامه نیز نام یکی از بانک‌ها را در آن قید می‌شود. این در حالی است که با ورود شهروندان به آن لینک در واقع به صفحات جعلی و فیشینگ هدایت شده و سودجویان با دسترسی به اطلاعات حساب بانکی‌شان اقدام به خالی کردن حساب آنان خواهند کرد.

رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرایم سایبری پلیس فتا تأکید کرد هیچ بانکی پیامک حاوی لینک پرداخت برای برگشت وجه را برای مشتریان خود ارسال نمی‌کند و شهروندان نیز در صورت مشاهده چنین مواردی لازم است از بازکردن لینک مذکور و درج اطلاعات خود در آن خودداری کنند.

رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرایم سایبری پلیس فتا ناچانسبت به کلاهبرداری از شهروندان با پیامک واریز اشتباه یا بازگشت وجه هشدار داد.

سرهنگ علی محمد رجبی با اشاره به شگرد برخی مجرمان سایبری، گفت: برخی کلاهبرداران و سودجویان در فضای مجازی با شیوه بازگشت وجه یا واریز اشتباه وجه اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کنند و از این رولازم است شهروندان هوشیاری خود را حفظ کرده و توجه داشته باشند هیچ بانکی به ارسال پیامک بازگشت وجه برای مشتریان خود اقدام نمی‌کند.

وی درباره شیوه این کلاهبرداری گفت: در این روش اغلب مجرمان پیامکی با این محتوا برای مشتریان خود ارسال می‌کنند که «مبلغی به اشتباه به حساب شما واریز شده و لازم است برای

هشدار هفته